

بررسی مؤلفه‌های پایداری شهر در تمدن اسلامی؛ مطالعه موردی حله

* میثم حبیبی کیان

** نجمه سادات موسویان

چکیده

حله شهری تأثیرگذار در جهان تشیع است که توسط حکام بنی‌مزید بنا شد. برخی ویژگی‌هایی این شهر، با تعاریف شهر پایدار اسلامی و مؤلفه‌های آن، قابل تطبیق است. از این‌رو با دسته‌بندی مؤلفه‌های شهر پایدار اسلامی به مادی و معنوی، آنها را در حله خواهیم یافت. در این پژوهش سعی شده است که عوامل معنوی برای ایجاد یکپارچگی بین ساکنان و عوامل مادی در سطحی پایین‌تر، جهت رزق و امنیت مورد بررسی قرار گیرد چراکه پایداری یک شهر به وجود این مؤلفه‌ها در کنار هم، بستگی دارد و گرنه از رونق خواهد افتاد همان‌طور که در حله قرن نهم روی داد. از این‌رو در بنای شهر حله، به این نتیجه می‌رسیم که بنی‌مزید با استفاده حداکثری از عوامل تأثیرگذار در پایداری شهر، توانستند کارویژه از تمدن اسلامی را به نمایش گذارند.

واژگان کلیدی

شهر اسلامی، حله، بنی‌مزید، شهر پایدار.

*. دانشجوی دکتری معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی.

habibikian110@gmail.com

ns.mousavian@gmail.com

** دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول).

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲۸

طرح مسئله

اساس شکل‌گیری دین اسلام در شهر اتفاق افتاد و با توجه به جهان‌بینی آن، نیازمند توسعه شهرها بود. در قلمرو این مکتب و به‌ویژه مذهب شیعی، شاهد پیدایش و توسعه شهرهای زیادی براساس بینش اسلامی هستیم.^۱

پژوهش حاضر با روشی توصیفی و تحلیلی و مراجعه به کتب شهرسازی و تاریخی، به موضوع شهرپایدار و شهراسلامی و تطبیق آن با شهر حله پرداخته است. حله توسط امیران بنی‌مزید، با نگرشی مادی و معنوی و در بستر جغرافیایی، مذهبی، فرهنگی و اقتصادی مناسبی تأسیس شد و توانست در گذر زمان، پایداری خود را هم در عرصه بنای شهری و هم مبانی فرهنگی، حفظ نماید. از این‌رو باید به شهر پایدار، شهر اسلامی و عوامل شکل‌گیری آن و تاریخ حله اشاره شود.

تمدن^۲ و شهرپایدار^۳

رابطه تنگانگ میان شهرنشینی و تمدن، غیرقابل انکار است؛ چراکه تمدن مرحله‌ای از حیات انسانی است که در بستر شهرها رقم می‌خورد و در واقع امروزه شهرها، بر تمدن‌های گذشته مستقرند. برخی از تمدن‌شناسان معتقدند که واژه تمدن از مدینه - به معنای شهر - ریشه می‌گیرد ولی شهر در اصل معلول تمدن است نه علت آن، یعنی شهر، جزء تمدن است.^۴ البته آنها شهرنشینی - نه شهر به تنهایی - را سرآغاز تمدن دانسته‌اند، از این‌رو دقیق نیست که صرفاً زندگی در شهر را تمدن معنا کنیم.

پس ملازمه بین شهرنشینی و تمدن انکارناشدنی است و هنگامی که سخن از تمدن به میان آید، معنای زندگی اجتماعی، شهرنشینی و شهر در ذهن انسان متبادر می‌گردد. بنابراین، تمدن حالتی اجتماعی برای انسان است^۵ که بارزترین آن در قالب شهر رخ می‌دهد.

از آنجاکه شهر و تمدن، لازم و ملزوم همدیگرند، در شرایط ایجاد و بقا، اشتراکات زیادی دارند. توضیح اینکه هر تمدنی برای ایجاد و بقا به مؤلفه‌هایی نیاز دارد که با وجود آنها به شکوفایی می‌رسد و در صورت فقدان، رو به زوال خواهد رفت. شرایط مطلوب اقتصادی، جغرافیایی، سیاسی و دینی، با

۱. ضرابی و دیگران، «بستر تاریخی از ساختار کالبدی شهرهای اسلامی با تأکید بر ایران»، نخستین همایش آرمات شهر اسلامی، ص ۲۶۴.

2. Civilisation.

3. Sustainable city.

۴. دزموند برنال، علم در تاریخ، ص ۸۶.

۵. ابن‌خلدون، العبر و دیوان المبتدا و الخبر، ج ۱، ص ۱۸۳.

پیامدهایی چون آرامش و امنیت، رزق، همبستگی و عصیبت، قانون و قانون‌مداری و ... از جمله شروط لازم ایجاد و بقای تمدن‌ها هستند. در پیدایش، تکامل و دوام شهر نیز وجود این شرایط ضروری است و در واقع شهرهایی باقی می‌مانند و پایدارند که برآیندی از مؤلفه‌های جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را داشته باشند.

به این ترتیب، شهرهایی که رضایت ساکنانشان را تضمین کنند، می‌توانند به حیات سیاسی و مدنی خویش در طول تاریخ ادامه داده و جلوه‌ای از شهرپایدار باشند. چنین شهرهای پایدار، زمینه‌ای برای آغاز یک تمدن (مانند مدینه النبی) و یا استمرار برای تمدن‌های شکل گرفته (مانند حله) هستند. در نتیجه، ارزش یک شهر، برای حرکت تمدنی، پایداری آن است که اشاره خواهد شد. مفهوم شهر پایدار در سال ۱۹۹۱ مطرح گردید و سال ۱۹۹۶ م این تعریف از شهر پایدار پیشنهاد شد، «شهری که در آن دستاوردهای حاصل از پیشرفت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تداوم می‌یابد. یک شهر پایدار دارای منابع بادوام طبیعی است که توسعه و پیشرفت به آنها بستگی دارد و خود را به گونه‌ای پایدار و پر دوام از خطرات محیطی که دستاوردهای توسعه‌ای را به خطر می‌اندازد محافظت می‌کند».

کنفرانس شهر ۲۱ که سال ۲۰۰۰ میلادی در برلین برگزار شد، مهم‌ترین مؤلفه شهرپایدار را «بهبود کیفیت زندگی در یک شهر از جمله عناصر زیست محیطی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، بدون اینکه بر نسل‌های آتی فشار آید» معرفی نمود.^۱ برخی نیز معتقدند که تنها وقتی می‌توان یک شهرپایدار داشت که در آن تمامی شهروندان احساس رضایت داشته باشند.^۲ تعاریف ارائه شده، حاکی از انگاره‌های غنی از شهرپایدار هستند که در آن مؤلفه‌های گوناگونی از وجوه فیزیکی و معنوی وجود دارد که بازتاب روابط متقابل پیچیده بین ابعاد اجتماعی، جمعیتی، منابع، محیط، علم و فناوری و آموزش است.^۳ در نتیجه به نظر می‌رسد شهری پایدار است که بتواند جواب‌گوی نیازهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی انسان شهرنشین بوده، آرامش روحی و روانی همراه با تأمین خواسته‌های مادی و معنوی را برایشان ایجاد نماید. بنابراین، مؤلفه‌های پایداری شهر در دو دسته «طبیعی - فیزیکی» که پیشرفت و آسایش زندگی به آنها وابسته است و «روحی - معنوی» که ضامن همبستگی جامعه است، تقسیم می‌شود.

1. Antrop, "Changing patterns in the urbanized countryside of Western Europe", P. 257 – 270.

2. Munasinghe, *Environmental Economics and Sustainable Development*, The world Bank. Washington D.C.

۳. عظیمی کاشی و همکاران، «واکاوی مؤلفه‌های شهرزبارتی مطلوب»، *مجله شهر ایرانی - اسلامی*، ص ۶۱.

شهراسلامی

از آنجاکه محدوده پژوهش در حیطه تمدن اسلامی است، شناخت شهراسلامی و ویژگی‌های آن ضروری است. رواج «شهراسلامی» از قرن نوزدهم میلادی، توسط مستشرقان آغاز شد. از آن دوران به بعد «شهراسلامی» با تجلی فرهنگی و اجتماعی متمایز از سایر تمدن‌ها، در ادبیات غرب تثبیت شد.^۱

درواقع شهراسلامی منوط به وجود شهری است که مبانی نظری طراحی و ساخت آن (مشمول بر اصول، ضوابط، معیارها و ...) از متون اسلامی نشأت گرفته باشد؛ البته پرواضح است که این معیارها در هر زمان و مکانی متفاوت خواهند بود ولی آنچه که غیرقابل تغییر است، اصول و مفاهیم اسلامی می‌باشد.^۲ برخی نیز شهری را اسلامی می‌دانند که براساس مبانی و آموزه‌های قرآن و روایات بنا شده باشد.^۳ اگر این تعاریف از شهر را بپذیریم، باید بین شهراسلامی و شهرمسلمانان تفاوت قائل شویم، لکن از آنجاکه تطبیق آموزه‌های اسلامی در شهرسازی، جز به دست مسلمانان نمی‌توانست صورت پذیرد، با مسامحه می‌توان شهر مسلمانان را نیز شهر اسلامی دانست.

در مورد ساخت نخستین شهرهای اسلامی باید گفت که هسته اولیه شکل‌گیری برخی از آنها توسط اعراب و در قالب اردوگاه‌های نظامی بود که در کنار شهرهای قدیمی برپا می‌شد. در برخی مواقع نیز کنار شهری که تصرف می‌کردند، شهراسلامی می‌ساختند و یا همان شهر قدیمی را گسترش می‌دادند. شهرهای ساخته شده در کنار مزار پیشوایان دین مانند کربلا، قم و مشهد، نمونه‌های دیگری از شهرهای اسلامی هستند. در کل، شهرهای قدیمی پس از فتح توسط مسلمانان، به مرور با جایگزینی عناصر اسلامی به جای عناصر غیراسلامی، برطبق اصول و ارزش‌های اسلامی تغییر می‌کردند و گسترش می‌یافتند.^۴

بنابراین شهرهای اسلامی عمدتاً به دو دسته قابل تفکیک‌اند: الف) شهرهای برجای مانده از تمدن‌های پیشین که با آمیخته شدن اسلام در کالبد آنها، شرایط بهتر زیستن مسلمانان فراهم می‌شد. ب) شهرهای بنا شده توسط مسلمانان که به مرور زمان، دستگاه خلافت آنها را طبق اصول و رهنمودهای اسلام می‌ساخت^۵ و یا اینکه پس از سازماندهی یک شهر توسط مردم، حکام، آن را رشد

۱. نقی‌زاده، «تأملی در چیستی شهراسلامی»، مجله شهر ایرانی - اسلامی، ص ۲.

۲. نقی‌زاده، «صفات شهراسلامی در متون اسلامی»، مجله هنرهای زیبا، ص ۴۸.

۳. شکرانی، «مهندسی فرهنگ اسلامی در مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شهرسازی»، نخستین همایش آرمان‌شهر اسلامی، ص ۲۳۸.

۴. رک: اشرف، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران»، مجله نامه علوم اجتماعی، ص ۷۴ - ۹.

۵. سجاذاده و موسوی، «ابعاد چیستی‌شناسی و هستی‌شناسی شهراسلامی از منظر متون اسلامی»، مجله شهر ایرانی -

اسلامی، ص ۷.

و توسعه می‌دادند؛ برای مثال بصره، کوفه و بغداد شهرهایی هستند که با امر خلیفه و هدفی حکومتی، بنا شدند.^۱ نتیجه این دسته‌بندی این است که شهرهای ساخته شده توسط خلفا و حکام، اهداف شخصی، نظامی و مقاصد حکومتی را دنبال می‌کرد و جغرافیای مناسب، مهم‌ترین اولویت ساخت آنها بود اما در ساخت شهرها توسط مردم مسلمان، انگیزه‌های مذهبی قوی‌تر بود.

باتوجه به ویژگی‌های مشترک در مفهوم شهراسلامی، به نظر می‌رسد این شهرها با بهره‌جستن از اصول و ارزش‌های خاص اسلامی، توانسته‌اند شاخص‌هایی که امروزه در شهرهای پایدار مورد توجه است را دارا باشند و به‌عنوان نمونه‌ای از شهرپایدار مطرح شوند. از دیگر سو مؤلفه‌های پایداری به مفهوم امروزی - که حاکی از زندگانی رضایتمند انسان بارفع نیازهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است - از دیرباز در شهرسازی و معماری اسلامی به‌صورت ضمنی وجود داشته است. پس شهراسلامی پایدار، شهری است که نیازهای اساسی انسان و حکومت اسلامی را تأمین کند و جهت‌گیری‌های فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و بهداشتی، در ساخت آن بازتابی از اندیشه‌های متعالی اسلام باشد. نتیجه اینکه مؤلفه‌های پایداری در شهرهای اسلامی به‌وضوح دیده می‌شود و مسلمانان توانسته بودند تلفیقی از انگیزه‌های مختلف در ساخت شهر را که سبب پایداری بیشتر آن می‌شود، گردآورند.

عوامل مؤثر در شکل‌گیری شهرپایدار اسلامی

همان‌طور که گفته شد، شهرپایدار اسلامی یکی از مظاهر تمدن اسلامی است که در شکل‌گیری و استخوان‌بندی آن، عوامل متعددی تأثیرگذار بوده است. بدون شک بنا و فضای بیشتر شهرهای اسلامی، هم متأثر از ویژگی‌های سرزمینی و جغرافیایی و هم بیانگر وجود روح مشترک برآمده از مکتب الهی آنهاست.

حکیم، شریعت اسلامی را دستورالعمل ساختمان‌سازی و کلید تفسیر و به‌کارگیری نظام شهرسازی اسلامی معرفی می‌کند.^۲ برخی از مستشرقان هم عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری شهراسلامی را در دو دسته طبقه‌بندی کرده‌اند: الف) تعیین‌کننده‌های اصلی شامل عوامل طبیعی (توپوگرافی)،^۳ آب‌وهوا، مصالح ساختمانی و انسان ساخت. ب) تعیین‌کننده‌های فرعی منتج از احکام اسلامی با منشأ قرآن و احادیث که به‌عنوان راه‌کارهای فرآیند ساخت‌وساز شهری تعریف شده‌اند.^۴ در همین راستا، «راموند» به

۱. نقی‌زاده، «صفات شهراسلامی در متون اسلامی»، مجله هنرهای زیبا، ص ۴۸.

۲. حکیم، شهرهای عربی - اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی، ص ۳۹.

3. Topography.

4. Morris, "History of urban form: before the industrial revolution"s longman & Technical wiley, P. 153.

دو عامل در شکل‌گیری شهرهای اسلامی اشاره می‌کند: وی از یک‌سو بستر منطقه‌ای و سیر تحول تاریخی شهر و از سوی دیگر مبنای الهی و اجتماعی ساکنان شهر، اعتقادات و رسومی که کاملاً با اسلام آغشته شده است را نام می‌برد.^۱

به موازات این دو دیدگاه البته با عمق بیشتری در رویکرد ساختاری به ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی، می‌توان به کار «بیانکا» اشاره کرد: از نظر وی نیروهای شکل‌دهنده شهراسلامی، عوامل خارجی و امکانات در دسترس محلی (مثل ملاحظات جغرافیایی در ارتباط با مسیرهای تجاری، وجود منابع و نظم طبیعی موجود) و عوامل داخلی مثل اصول ریخت‌شناسی^۲ در معماری است که درکالبد شهر نقش داشته و از رفتار انسانی به‌عنوان کیفیات غیرمادی سرچشمه گرفته است.^۳

خلاصه دیدگاه‌های اندیشمندان غیرمسلمان درمورد شهراسلامی (همان‌طور که گفته شد شهراسلامی به طور ضمنی دارای مؤلفه‌های شهرپایدار است) این است که عوامل به دوگونه اصلی و فرعی یا داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند. از نظر آنها، تأثیر عوامل شکل‌گیری شهراسلامی با مبنای الهی، در درجه دوم قرار دارد. پس از بازخوانی دیدگاه اندیشمندان در مورد عوامل شکل‌گیری شهراسلامی، باید دید نظر اسلام و آموزه‌های دینی چیست؟

از آنجاکه اسلام برای رسیدن به سعادت بشر دارای برنامه کامل دنیوی و اخروی است، طبیعتاً در این مسیر، فضای زندگانی نیز باید با سبک زندگی^۴ اسلامی، هماهنگ باشد. پس باید بنگریم که آیا متون دینی مؤلفه‌هایی برای پیدایی شهرپایدار اسلامی دارند یا خیر؟ در قرآن کریم واژه‌های «مدینه» و «قریه» بارها تکرار شده است. در تفاوت میان این دو باید گفت که قریه فقط به معنای مکان تجمع انسان‌هاست ولی در مدینه مفهوم اقامت،^۵ تدبیر و نظم نهفته شده است. از این رو «تمدن» به معنای شهرنشینی و آبادانی آمده است.^۶ از بررسی موارد کاربرد قریه در قرآن، نتیجه گرفته می‌شود که منظور از قریه، مطلق عمران و آبادی ظاهری و مادی است، لذا معنای مقابل آن، واژه «بَدُو» و «بادیه» است که بر بیابان یا منطقه محروم از عمران اطلاق می‌شود.^۷

مفسران در توجیه کاربرد قرآنی قریه و مدینه در یک مکان گفته‌اند: مدینه، محل حضور پیامبران و

1. Raymond , "Islamic city, Arab city: Orientalist Myths and Recent Views", *British Journal of middle Eastern Studies*, p 3.

2. Morphology.

3. Bianca, *Urban form in the Arab World: past And present*, P. 146.

4. Life style.

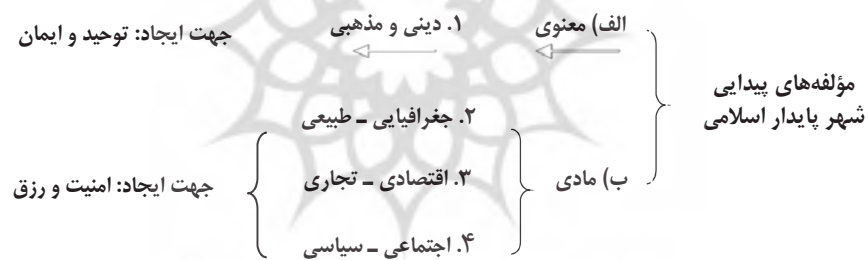
۵. ابن‌منظور، *لسان العرب*، ج ۱۳، ص ۴۰۲.

۶. مهیار، *فرهنگ ابجدی عربی - فارسی*، ج ۱، ص ۲۵۸.

۷. جوادی آملی، *تفسیر تسنیم*، ج ۴، ص ۵۵۳.

مؤمنان است و در مقابل هر جا که خالی از نعمت رسولان الهی باشد، قریه است. به عبارتی دیگر هر جا که صحبت از ایمان بود، واژه مدینه و هر جایی که مظاهر فساد وجود داشت، قریه به کار رفته است.^۱ بنابراین از دیدگاه قرآن، قریه با وجود جمعیت و وسعت قابل توجه، استحقاق لازم برای اطلاق واژه مدینه را ندارد و مردم آن فاقد مدنیت دانسته شده‌اند؛ زیرا پیامبران را تکذیب کرده و ایمان به خدای متعال را نپذیرفتند. اما اگر همین محل، دعوت رسل الهی را پذیرفت و به خدای متعال ایمان آورد، از قریه به شهر ارتقا می‌یابد. در واقع قرآن مؤلفه‌هایی مانند جمعیت، وسعت، شرایط اقتصادی و اجتماعی و ... را برای تمیز شهر و روستا به رسمیت نمی‌شناسد و خود، مؤلفه جدیدی را برای تمایز ماهوی شهر از روستا تبیین می‌فرماید که عبارت است از: ایمان به خدای متعال و الزامات حاصل از آن. بنابراین شهر شرعی (متناظر با ادبیات قرآنی) و شهر عرفی (متناظر با ادبیات دانش شهرسازی)، دو مفهوم متمایزند.^۲

ویژگی‌های قرآنی شهر نیز، که در دعای حضرت ابراهیم علیه السلام برای مکه^۳ شاهد آن هستیم، بر اولویت امور معنوی تأکید دارد. همان‌طور که در این آیه روشن است، امنیت، رزق و ایمان به خدا یا توحید، باید در شهر اسلامی برقرار باشد، چرا که نیازهای روانی و نفسانی در سایه امنیت، نیازهای مادی و جسمی با تأمین رزق، و نیازهای روحی و معنوی انسان با یاد خدا برآورده می‌شود.^۴ بنابراین مؤلفه‌های پیدایی شهر پایدار اسلامی، چه در عرف و چه در شرع، باید جنبه‌های مادی و معنوی انسان را دربرگیرد که می‌توان آنها را در جدول زیر خلاصه نمود:



۱. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص ۲۵۴.

۲. منان رئیس، «واکوی تمایز ماهوی مدینه و قریه در ادبیات قرآنی»، باغ نظر، ص ۲۵.

۳. بقره (۲): ۱۲۶: «پروردگارا این شهر را محل امن و آسایش قرارده و روزی اهلش را که به خدا و روز قیامت ایمان آوردند، فراوان گردان.»

۴. سجاذزاده و موسوی، «ابعاد چیستی شناسی و هستی شناسی شهر اسلامی از منظر متون اسلامی»، مجله شهر ایرانی - اسلامی، ص ۶.

از آنجاکه موضوع پژوهش در مورد شهر حلّه به عنوان نمونه‌ای از شهر پایدار اسلامی است، ابتدا باید به تاریخ آن اشاره شود.

شهر حلّه

حلّه به سکونت‌گاه و منزلگاه اطلاق شده است و نیز به گروهی گویند که در جایی فرود آمده باشند.^۱ اگرچه در کتب جغرافیایی چهار محل، به نام حلّه ثبت شده است،^۲ لکن حلّه مورد نظر، شهر حله بنی مزید^۳ یا حله سیفیه است که وجه تسمیه عنوان سیفیه به دلیل انتساب به احداث کننده آن، سیف‌الدوله صدقه می‌باشد.^۴

با وجود اینکه سیف‌الدوله شهرهای کوفه و بصره را زیرسلطه خود درآورده بود، اما ظاهراً بنا بر دلایل سیاسی، مذهبی و امنیتی، ترجیح داد شهری جدید را پایتخت خود کند. از این رو، منطقه «جامعین» در کرانه فرات را شناسایی کرد و حلّه را در بین سال‌های ۴۹۰ تا ۴۹۵ ق بنا نهاد.^۵ شواهد نشان می‌دهد که حلّه در قرن پنجم یک اقامتگاه دائمی بود که به تدریج امرای بنی مزید بر گرد شهر، حصار محکمی کشیدند و آن را به مرکز قدرت بنی مزید در عراق تبدیل کردند.^۶ مکان شهر در چند کیلومتری خرابه‌های بابل داشت و رودخانه فرات از وسط آن می‌گذشت و سمت شرقی‌اش، محلی آباد و حاصل خیز بود. لذا پلی از قایق‌های پیوسته به هم بر روی رود ساختند که بعدها محل عبور کاروان‌ها شد. این شهر پس از آنکه پایتخت بنی مزید گردید، توسعه پیدا کرد و دارای بازارهای

۱. فراهیدی، العین، ج ۱، ص ۸۱۴.

۲. ابوالفداء، تقویم البلدان، ص ۳۳۷؛ حموی، المشترك وضعاً والمفترق صتماً، ص ۶۷.

۳. مزیدیان شاخه‌ای از بنی‌اسد بودند و نسب‌شان به اعراب مضر می‌رسید. (کخاله، معجم قبائل العرب، ج ۱، ص ۲۳) آنان که در مکه و پیرامون آن می‌زیستند، پس از اسلام رهسپار شام و عراق شدند. (ابن عدیم، بغیة الطلب، ج ۱، ص ۵۳۴) مزیدیان تا اواسط سده سوم به زندگی ساده خود در بادیه‌های جنوب عراق ادامه دادند. پس از تسلط آل بویه بر بغداد، مزیدیان با آل بویه هم‌پیمان شدند و بدین ترتیب قدرت‌گیری بنی‌اسد در ابتدای قرن پنجم با رهبری علی بن مزید سناءالدوله رقم خورد. (ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۷۷)

۴. اگرچه بنا به قول مشهور، حلّه به سال ۴۹۵ ق توسط صدقه بن منصور بنا شد اما یاقوت، در مدخل حویزه، «دبیس» را مؤسس حلّه نام می‌برد. (حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۷۳) ابن اثیر نیز در حوادث سال‌های ۴۲۰ تا ۴۹۴ ق به طور مکرر از حله بنی مزید یاد می‌کند. (ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۹۶۳ و ۹۸۳ و ۸۹۳)

۵. منابع نقل می‌کنند که قبل از سال ۴۵۹ ق بنی مزید در خیمه‌های عربی زندگی می‌کردند. (ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۶، ص ۴۰۵؛ ابن جبیر، سفرنامه، ص ۲۶۱)

۶. باسورث، سلسله‌های اسلامی جدید، ص ۱۸۰ - ۱۷۹.

بزرگی شد که پذیرای بازرگانان بود. نخلستان‌های این شهر به گونه‌ای معروف بود که اکثر جهانگردان از آن یاد کرده‌اند.^۱ ابن جبیر راه حله به بغداد را زیباترین راه په‌نه زمین می‌داند.^۲ ابن بطوطه در قرن هشتم اهالی این شهر را شیعه دوازده امامی^۳ و از دو طایفه کُرد و اهل الجامعین می‌داند.^۴ بنابراین طبق ویژگی‌های ممتازی که برای شهر حله در منابع تاریخی بر شمرده شده است، می‌توان به این نتیجه رسید که پی‌ریزی حله از سوی حاکمان بنی‌مزید تنها با نیت ایجاد پایتخت نظامی و برای مدتی موقت نبوده است، بلکه با نظر به موقعیت جغرافیایی و دیگر انگیزه‌ها، مزیدیان به دنبال ایجاد یک «شهر پایدار اسلامی» بودند تا بتوانند قرن‌ها، مرکزیت سیاسی و مذهبی جهان اسلام و تشیع را داشته باشد. از این رو مناسب است تا ویژگی‌های «شهر پایدار اسلامی» با حله مورد انطباق قرار گیرد.

تطبیق مؤلفه‌های شهر پایدار اسلامی با حله

۱. مؤلفه‌های دینی - مذهبی

یک. پشتوانه عقیدتی

در متون دینی، اخباری در فضیلت برخی شهرها به چشم می‌خورد که حاکی از برتری آنها نسبت به سایر شهرهاست، شهرهایی چون مکه، مدینه و کوفه از این جمله‌اند. این روایات دو گونه‌اند: روایاتی که نوید ایجاد شهری را قبل از بنای آن داده‌اند مثل کربلا؛ و اخباری که در مورد تجمید از شهری پس از ساخته شدن آن است مانند کوفه. در مورد حله نیز روایاتی قبل از ساخت این شهر وجود دارد که خبر از فضل آن داده است.

علامه مجلسی به نقل از ابن زهره^۵ آورده است که وی در سال ۵۷۴ ق وارد حله شد و در فضیلت این شهر با سند متصل صحیح^۶ از اصبغ بن نباته روایت کرد که هنگام ورود علی^ع به صفین همراه

۱. ابن جبیر، سفرنامه، ص ۲۶۱ - ۲۶۰؛ لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۷۸ - ۷۷؛ مستوفی، نزهة القلوب، ص ۴۲ - ۴۱.

۲. ابن جبیر، سفرنامه، ص ۲۶۱.

۳. ابن بطوطه، سفرنامه، ج ۱، ص ۱۳۸.

۴. همان، ج ۲، ص ۹.

۵. حمزه بن علی بن زهره أبوالمکارم السید الجلیل، الکبیر القدر، العظیم الشان، العالم، الکامل، الفاضل ... صاحب التصانیف الحسنه... (مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲۴، ص ۲۴۵).

۶. با مراجعه به کتب رجال، تمام افرادی که در سلسله سند این روایت قرار دارند (جعفر بن محمد بن قولویه، کلینی، علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم، ابن ابي عمیر، ابي حمزه الثمالی، اصبغ بن نباته) ثقة‌اند و از محدثین بزرگ شیعه محسوب می‌شوند. (ر.ک: مامقانی، تنقیح المقال؛ نجاشی، رجال؛ خوئی، معجم رجال الحدیث)

او بودم، ایشان روی تل عریر (عریز) ایستادند و اشاره فرمودند به نی‌زاری که بین بابل و آن تل بود و فرمودند: چه شهری!! عرض کردم: فرمودید شهر! آیا اینجا شهری بوده و الان اثری از آن نیست؟ فرمودند: خیر، در آینده شهری در اینجا بنا می‌شود که آن را «حله سیفیه» خواهند خواند، آن را مردی از بنی‌اسد بنا می‌کند، در آن گروهی از خوبان زندگی می‌کنند که اگر خوبی یکی از آنها را تقسیم نمایند، همه خوب می‌شوند.^۱

بنابراین روایت، به نظر می‌رسد که حکام بنی‌مزید با رابطه‌ای که با علمای شیعی داشتند، بنابه توصیه ایشان و با در نظر گرفتن این حدیث، اقدام به بنای حله کرده‌اند و در انتخاب محل آن آگاهانه عمل نموده‌اند.

دو. نزدیکی به اماکن مقدس

با نظر به باورهای مسلمین در تکریم اولیای الهی و روایات بسیار در خصوص فضیلت زیارت مرقد پیشوایان دین،^۲ سکونت در شهرهای زیارتی و یا نزدیکی به اماکن مقدس، می‌تواند یکی از امتیازات شهرهای اسلامی باشد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر رونق آن تأثیرگذار است و پاسخ‌گوی شاخصه رضایت‌مندی انسان مسلمان در عبودیت و عبادت و حتی اقتصاد می‌باشد.

علاوه بر روایات، قرآن کریم نیز مواردی از قبیل قرار گرفتن محل زیست در کنار شهرهای مبارک و برخوردار، وجود شهرهای واسط، به اندازه بودن فاصله شهرها و امکان جابجایی و پیمودن با امنیت مسیر در شب و روز را مورد توجه قرار می‌دهد.^۳ از منظر امام علی علیه السلام نیز اتصال و پیوستگی شهرها، متعادل بودن فاصله و دسترسی آسان، از شاخصه‌های شهر مطلوب و سرزمین مناسب برای شهرسازی است.^۴ بنابراین فاصله مناسب میان شهرها، وجود اماکن مقدس در شهر و یا نزدیک بودن به قطب‌های معنوی، می‌تواند از طرفی دسترسی آسان را برای انجام مناسک زیارتی ساکنانش فراهم سازد و از سوی دیگر تعاملات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را برقرار سازد و بدین ترتیب پاسخ‌گوی نیازهای مادی و معنوی باشد.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۲۳؛ همان، ج ۱۰۴، ص ۱۷۹.

۲. ر.ک: ابن قولویه، کامل الزیارات؛ کلینی، اصول کافی، باب زیارات.

۳. سبأ (۳۴): ۱۸: «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَ قَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَآيَاتِنَا آمِينَ».

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

حله در پنجاه کیلومتری کربلا و نزدیک به کوفه و نجف،^۱ دارای موقعیت ممتازی از لحاظ نزدیکی به اماکن مقدس و زیارتی شیعیان است. به نظرمی رسد ملاحظاتی که حاکمان بنی‌مزید در خصوص انتخاب مکان شهر حله داشتند، آنها را از سکونت در شهرهای زیارتی و مرکز قراردادن آنها منصرف کرد و سبب گردید که بانظر به نزدیکی منطقه حله به شهرهای زیارتی، درصدد ایجاد یک پایتخت نظامی - سیاسی در مقابل بغداد برآیند.^۲ علاوه بر این، اوضاع جوی مطلوب حله، بهره‌مندی از آب زیاد، یکدستی قومی و قبیله‌ای، یکپارچگی مذهبی و از همه مهم‌تر جلوگیری از بی‌احترامی به بقاع متبرکه در زمان جنگ، می‌تواند از دیگر انگیزه‌های آنها در ایجاد پایتختی و رای شهرهای زیارتی باشد.

نتیجه اینکه برتری جغرافیایی حله نسبت به دو قطب زیارتی نزدیکش، مرکزیت و نداشتن مسافت نسبت به اماکن مقدس، سببی برای جمع بین دو انگیزه مادی و معنوی شد که در ساخت و پایداری آن تأثیر بسزایی داشت.

سه. وحدت دینی - مذهبی

یکی از مؤلفه‌های پایداری شهرها، یکپارچگی و وحدت بین ساکنان آن، به خصوص در زمینه دینی و مذهبی است که به نظر می‌رسد این ویژگی، نزد بنیان شهر حله مدنظر قرار گرفته بود.

با توجه به تأکید اسلام بر امت واحده، شهر اسلامی، شهری است که با وحدت - و نه تفرق مردم - پیوندی ناگسستنی دارد. در تعالیم اسلامی، هماهنگی، همدلی، تعاون و در یک کلام وحدت جامعه توصیه شده و این مسئله ضامن تعالی و رشد آحاد مردم قرار داده شده است، البته با این نکته که محور وحدت را چنگ زدن به ریسمان الهی ذکر می‌کند.^۳ پژوهش در شهرهای مسلمین، بیانگر نمایشی از وحدت نسبی در آنهاست، به طوری که مردم شهرها در محلات متجانس استقرار یافته بودند و معیاری به جز ثروت (مثل مذهب، شغل، موطن اصلی و ...) آنها را مجتمع نموده بود و بدین گونه جامعه به وحدت نسبی دست می‌یافت.^۴

از آنجاکه بنی‌مزید شیعه بودند و توانستند کنترل جنوب عراق را در دست بگیرند، حله را در بستر یکدست شیعی و با سابقه طولانی در تشیع بنانهادند تا کمتر مورد اختلاف و نزاع‌های مذهبی قرار گیرد. اختلافی که سبب افتراق کوفیان در تصمیم‌گیری‌های تاریخی شد و یا بعدها دامن‌گیر مردم

۱. مدرس، ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه واللقب، ج ۲، ص ۶۶.

۲. ابن جبیر، سفرنامه، ص ۲۶۱.

۳. آل عمران (۳): ۱۰۳.

۴. نقی‌زاده، «صفات شهر اسلامی در متون اسلامی»، مجله هنرهای زیبا، ص ۵۱.

بغداد گردید و به نزاع میان شیعیان و اهل سنت و مهاجرت علمای شیعه انجامید. اگرچه قومیت‌های ساکن در حله، عرب و اکراد جوانی و شاهجانی^۱ بودند،^۲ اما منابع، بیشتر جمعیت حله را شیعیان اثنی عشری معرفی کرده‌اند.^۳ کثرت شیعیان در این شهر بستر مناسبی را برای مهاجرت سایر سادات و علویان و نیز خاندان‌های علمی شیعه و در نتیجه پیدایش مکتب علمی حله، فراهم کرد.^۴ غلبه شیعیان در حله و دفاع تمام قد حاکمان بنی مزید از آنها،^۵ سبب شده بود که گروه‌های رقیب کمتر در این شهر به عرض اندام پردازند و ترکیبی یکدست از تشیع رقم بخورد. این ترکیب، تحت تأثیر عقیده واحد و رواداری مذهبی، توانسته بود هم‌گرایی، تعاون و وحدت جامعه و در نتیجه پایداری شهر حله را برای چند قرن تضمین کند.

۲. مؤلفه‌های جغرافیایی - طبیعی

هر فضای شهری یا بنا و معماری، دارای درون و بیرون است. یک شهر در درون، زیر نظم‌های خود را شکل می‌بخشد و در برون، از نظم‌های فراتر تأثیر می‌پذیرد.^۶ بنابراین در نظر گرفتن فضای بیرونی و شرایط جغرافیایی و طبیعی، جهت بنای شهر بسیار مهم است. مشکلاتی مانند پدیده کم آبی، عدم ایمنی از بلایای طبیعی و ... همه ناشی از نادیده گرفتن شرایط مناسب بیرونی در تشکیل شهرهاست. از آنجاکه مؤلفه‌های طبیعی شامل اقلیم، آب‌وهوا، نظام ناهمواری، مواد و مصالح ساختمانی، در شکل‌گیری هر شهری از جمله شهر اسلامی دخیل است، پس جلب منافع و دفع مضرات، از جمله ملاک‌های اصلی در مکان‌یابی برای تأسیس شهر پایدار اسلامی بوده است. نظریه پردازان کنونی شهر، از این ملاک‌ها با عناوین بقا (وجود مقدار کافی مواد غذایی)، ایمنی (دوری از خطر) و سازگاری (محیط متناسب با طبیعت بدن) به عنوان ملاک اصلی شهر پایدار یاد کرده‌اند.^۷

نتیجه اینکه اصول استفاده از نظم طبیعت، به عنوان بستر اولیه فرم‌دهی شهر، عاملی برای

۱. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۹، ص ۹۲.

۲. یعقوبی، *البلدان*، ص ۷۰ و ۷۱؛ ابوالفرج اصفهانی، *أغانی*، ج ۱۱، ص ۲۵۲؛ اصطخری، *المسالك و الممالك*، ص ۲۲؛ ابن بطوطه، *الرحله*، ج ۲، ص ۹.

۳. رک: ناجی، *الامارة المزیدیة*، ص ۹۴۱ - ۷۴۱؛ ابن بطوطه، *سفرنامه*، ج ۱، ص ۸۳۱ - ۹۳۱.

۴. ن ک: ابن عنبه، *عمدة الطالب*، ص ۳۳۱.

۵. ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۶، ص ۱۵۸.

۶. اهری، *مکتب اصفهان در شهرسازی*، ص ۵۲.

۷. لینچ، *تئوری شکل شهر*، ص ۱۶۶.

پایداری آن خواهد بود که باید مورد کنکاش قرارگیرد. بنابراین مطالعه مزیت‌های جغرافیایی که حاکمان بنی‌مزید با نظر به آن، اقدام به ساخت حله نمودند، ضروری می‌نماید.

یک. امنیت جغرافیایی منطقه..

امنیت از موضوعاتی است که همه انسان‌ها به‌طور مستقیم با آن در ارتباط هستند. امنیت در لغت به معنای بی‌خوفی و در امان بودن است.^۱ این مفهوم وقتی به شهر مضاف می‌گردد، معنایی گسترده و ناظر به ابعاد مختلف امنیت، مثل امنیت اجتماعی، اعتقادی، اقتصادی و ... را دربرمی‌گیرد^۲ که یکی از جلوه‌های آن، حفاظت فیزیکی، مانند ایمنی در برابر بلایای طبیعی، تهاجم بیگانگان، خشونت‌ها و ... است.

گذشته از اینکه هر اجتماعی نیازمند امنیت در تمام زمینه‌های جسمانی و روانی است، دین اسلام هم آن را مفهومی اساسی برای پیشرفت و رفاه جامعه اسلامی معرفی کرده است،^۳ به‌طوری که یکی از اهداف پیامبر ﷺ در هجرت به مدینه، تأمین امنیت مسلمانان بود. امنیت در معنای حداقلی آن (جلوگیری از هجوم بیگانگان) همواره مدنظر حکام و بنیان شهرسازی اسلامی بوده است. از نظر آنان موقعیت مناسب شهر و برخورداری از مواهب طبیعی، می‌توانست یک امتیاز در مقابل دشمنان و در نتیجه یکی از عوامل پایداری شهر محسوب گردد.

بررسی شرایط جغرافیایی، مشخص می‌کند که صدقه بن منصور در وهله نخست برای ایجاد یک مأمن پایدار و در مرحله دوم برای ایجاد مرکزی علمی و ادبی، حله را بنیان نهاد.^۴ عباراتی که در متون تاریخی در مورد شهر حله و شرایط پیرامونی آن آمده است (مانند ایجاد پایتخت استوار و نفوذناپذیر)، نشانگر بهره‌گیری حاکمان بنی‌مزید از طبیعت، به منظور ایجاد امنیت شهر است. مزیدبان ستیزه‌جو، سعی داشتند که حله را از تهدید دشمنان دور نگاه دارند و امنیت پایدار را در آن برقرار کنند. از این‌روست که در گزارش‌های مربوط به منازعات بنی‌مزید، از تعرض به حله خبری نیست،^۵ چراکه

۱. دهخدا، لغت‌نامه، ج ۳، ۳۳۷۶.

۲. صارمی، «عوامل پیدایش ناامنی در شهرها از منظر اسلامی»، مجله شهرایرانی - اسلامی، ص ۴۷.

۳. امنیت آنچنان در اسلام مورد تأکید است که سایر مسائل به آن گره خورده است؛ «رفاهیه العیش فی الأمن؛ زندگی آسوده درگرو امنیت است». (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۸۹) و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «سه چیز است که همه مردم به آن نیاز دارند، امنیت، عدالت و آسایش». (ابن شعبه، تحف العقول، ص ۳۲۰)

۴. حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۳۹ - ۳۳۸.

۵. حاجی تقی، «جغرافیای تاریخی حله، بستر شکوفایی مدرسه حله در دوره ایلخانی»، مجله تاریخ ایران، ش ۶۰، ص ۴۹؛ ن ک: ناجی، الإمارة المزیدیة، ص ۲۱۳ - ۹۰.

بخش عمده این امنیت، مرهون موقعیت جغرافیایی شهر است.

رودفرات، صحرای پیرامون آن و مرداب‌های جنوبی، حصارى از موانع طبیعی برگرد حله فراهم کرده بود. این شهر با وجود باتلاقی بودن و نیزارهای گداگرد آن، به حصار و خندقى طبیعی تبدیل شده بود،^۱ به گونه‌ای که این موانع طبیعی توانست در طول قرن‌ها مانع از ورود مهاجمین گردد. بنابراین مزیدیان با انتخاب مکان مناسب در بنای حله، با استفاده از طبیعت و با کمترین هزینه، بیشترین استفاده را در ایجاد امنیت پایدار، برای ساکنان به ارمغان آوردند.

دو. اقلیم منطقه

از آنجاکه یکی از ابعاد زندگی شهری، پاسخ‌گویی به نیازهای مادی است و رونق و آبادانی، پایداری یک شهر را تضمین می‌کند، توجه به محیط‌زیست محل استقرار شهر ضروری است، چراکه اقلیم و آب‌وهوای یک منطقه بر فعالیت‌های انسانی تأثیرگذار است.

درواقع شهرهای پایدار، محیط‌زیست‌های پایدار و مستمر در اقلیم‌های گوناگون‌اند و شاخص‌هایی چون ریزش‌های جوی، درصد رطوبت، وزش باد، فرسایش خاک، برودت و گرما و تابش آفتاب را باید در حد مطلوبی دارا باشند. بنابراین مؤلفه اقلیم و آب‌وهوا در گذشته به‌عنوان الگوی غالب ساخت یک شهر محسوب می‌شد^۲ که رابطه آن با پویایی و پایداری جامعه شهری با نظر به رویکرد مردم به سکونت و گسترش اماکن و ایجاد رونق و آبادانی مستمر، بدیهی است.

آب‌وهوا از نخستین ویژگی‌های مدنظر مسلمانان برای انتخاب محل شهر بوده است. آنان شیوه‌های خاصی در مورد کیفیت و کمیت آب و هوای مناطقی که می‌خواستند ساکن شوند، تدوین نموده‌اند؛ بیتوته کردن به تناوب و به دفعات و در زمان‌های متفاوت برای حصول اطمینان از سازگاری آب‌وهوای منطقه با طبع و نیاز انسان، در جهت گزینش مکان مناسب تأسیس شهر، رایج بوده است.^۳ در روایات اسلامی هم تنها جایی مناسب مکان شهر است که دارای هوای پاکیزه و آب فراوان و زمین حاصل‌خیز باشد.^۴

ویژگی‌های محیط‌زیستی حله کاملاً به اقلیم مناسب آن اشاره دارد. آب‌وهوای مطلوب حله، علاوه

۱. ابن مطهر، *العدد القویه*، ص ۲۶۰ - ۲۵۹.

2. Khalaf, "Traditinoal vs modern Arabian morphologies", *Journal of Cultural Heritage Management And Sustainable Development*, P. 27 - 43.

۳. عبدالستار، *مدینه اسلامی*، ص ۹۹ - ۹۸.

۴. ابن شعبه، *تحف العقول*، ص ۳۲۰.

بر گشودن زبان جهانگردان به وصف آن، به متون ادبی نیز راه پیدا کرده است. صفی‌الدین حلی شهرت حله را به جو معتدل، پاکي هوا، صافی آسمان و شیرینی آب می‌داند، تاجایی که به آن «حله الفیحاء» می‌گفتند.^۱ علاوه بر این، وجود آب فراوان^۲ و شبکه منظم آبیاری،^۳ حله را مرکز تولید محصولات باغداری و کشاورزی نیز ساخته بود و نشانه‌ای از محرومیت طبیعی در آن وجود نداشت. نتیجه اینکه برخورداری از ویژگی‌های خوب آب‌وهوایی، لازمه ایجاد و استمرار هر شهری است و همان‌طور که گفته شد، مفهوم پایداری، در ارتباط مستقیم با رضایتمندی انسان‌ها از زندگی و رونق و آبادانی شهرهاست که با توصیفات اقلیمی حله در سازگاری کامل است. بنابراین می‌توان شهر حله را از این وجه که دارای بستر و آب و هوایی مطلوب بود، شهری مناسب سکونت، برخوردار از نعمات الهی، آباد و در نتیجه پایدار دانست.

۳. مؤلفه‌های اقتصادی

جهان‌بینی، اقتصاد و چگونگی تعریف مادی جهان، عواملی هستند که به‌گونه‌ای زنجیروار به یکدیگر وابسته‌اند و از زمانی که بشر یکجانشین شد، دولت را جهت این منظور سامان داد و شهر را بنا کرد.^۴ پیدایش شهرها بواسطه برخورداری از امکان تجمیع سه حوزه مختلف حیات انسان یعنی اقتصاد، فرهنگ و سیاست در یک مکان، به پیشبرد اهداف تکاملی نوع بشر یاری رسانده و مناسباتی را پدیدار نموده است. از این‌رو، یکی از ویژگی‌هایی که دانشمندان در پایداری شهر از آن یاد کرده‌اند، اقتصاد است. آنها معتقدند شهری پایدار خواهد بود که اقتصادی تپنده، بادوام و مستقل برای رفاه و تکریم شهروندان ایجاد نماید.^۵ جهت‌گیری مناسب در تأمین نیازهای اقتصادی مانند ایجاد شغل برای همگان، پدیدآوردن زمینه مناسب جهت تجارت و گسترش مهارت‌ها، توان اقتصادی را بالا برده و در نتیجه پایداری و اقبال عمومی به سکونت در شهر را رقم خواهد زد.

آرمان شهراسلامی نیز در پی ترسیم رابطه انسان با خدا، اجتماع، محیط و خود می‌باشد و در این راستا روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مورد توجه قرار می‌دهد. همان‌طور که بانیان حله و

۱. حلی، دیوان، ص ۲۸۰.

۲. اصطخری، مسالك و الممالک، ص ۸۶؛ ابن جبیر، سفرنامه، ص ۱۹۰.

۳. الخطیب، مدینة الحلة الکبری، ص ۳۴.

۴. حبیبی، از شار تا شهر، ص ۳.

۵. ر.ک:

Haughton, "Developing Sustainable Urban Development Models", *Journal of Cities*, Vol 14, Munasinghe, *Environmental Economics and Sustainable Development*, p. 2

حاکمان بنی مزید جایابی شهر را طوری انجام دادند که ساکنان آن، هم در زمینه تجارت و هم کشاورزی و دامداری - به عنوان دو قطب اصلی اقتصاد قدیم - در درازمدت بهره‌مند گردند.

یک. شاهراه تجارت و زیارت

موقعیت سوق الجیشی حلّه، آن را به شاهراه ارتباطی دارالخلافة بغداد تبدیل کرده بود. ابن جبیر، این شاهراه را مسیر هرساله کاروان‌های حج معرفی می‌نماید^۱ که از این راه تجارت و بازرگانی حلّه، رونق می‌گرفت.^۲

افزون بر این، حلّه در مسیر تجارتي قرارداد داشت که جنوب عراق و ناحیه‌های بالای فرات را به هم متصل می‌نمود.^۳ با ساختن پلی که دو ساحل حلّه را به هم وصل می‌کرد، جاده اصلی بغداد - کوفه از قصر ابن هبیره^۴ به حلّه منتقل شد و مرکز تجاری این راه که قصر ابن هبیره بود^۵ جای خود را به حلّه داد.^۶

از آنجاکه هرسال کاروان‌های متعددی از ایران و شام برای انجام مناسک حج و زیارت قبور ائمه علیهم‌السلام، راهی عراق می‌شدند. حلّه با توجه به موقعیت ممتاز جغرافیایی، امنیت، وفور نعمت، تشیع حاکمان و مردم و به تبع آن برخورد مناسب، بهترین راه برای آنها بود. بدین ترتیب با توجه به مشکلات دیگر راه‌ها - به‌ویژه ناامنی و آزار کاروان‌های شیعی توسط قبایل متعصب اهل سنت - و با مختل شدن مسیر کاروان‌ها از سمت قصر ابن هبیره، پل حلّه مسیر تردد قافله‌های حجاج گردید.^۷

حلّه، گذشته از آنکه از مسیرهای اصلی زمینی محسوب می‌شد، از طریق نهرها و کانال‌هایی که فرات را به دجله متصل می‌کرد، میان راه آبی نیز به‌شمار می‌آمد و بدین سان بغداد را به خلیج فارس متصل می‌کرد.^۸ این شرایط به‌زودی باعث رونق بیشتر تجارت و آمدوشد تاجران به این شهر تازه تأسیس شد.

۱. ابن جبیر، سفرنامه، ص ۱۹۱.

۲. ابن عمرانی، الإنباء فی تاریخ الخلفاء، ص ۲۱۴.

۳. ناجی، الامارة المزیدیة، ص ۳۱۰ و ۳۱۲.

۴. قصر ابن هبیره شهری در دو فرسنگی فرات مابین کوفه، بغداد و کربلا و نزدیک پل سورا در حوالی بابل قرارداد داشت که به‌دستور یزید بن عمر بن هبیره فزاری حاکم منصوب عراق از سوی آخرین خلیفه بنی‌امیه، ساخته شد. (ابوالفداء، تقویم البلدان، ص ۳۵۴)

۵. ابن حوقل، صورة الارض، ج ۲، ص ۲۴۳؛ ابن خردادبه، المسالك والممالك، ص ۵۲۱.

۶. ن. ک. حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۲۳.

۷. لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۷۷.

۸. ابن جبیر، سفرنامه، ص ۱۹۱.

بنابراین، باتوجه به قرارداداشتن در مسیر تجارت و زیارت و راه‌های آبی و خاکی به همراه فراوانی محصولات دامی و کشاورزی و رواداری حاکمان با بازرگانان، حله به سرعت قطب تجاری عراق شد و برای سال‌ها باقی ماند.^۱

دو. کشاورزی، دامداری و صنعت

بنای حله در کناره فرات و با انگیزه استفاده از آب‌و خاک مناسب جلگه‌ای، صورت گرفت و آن را به مرکز کشاورزی و دامداری منطقه تبدیل کرد. به لحاظ جغرافیایی، حله در مرکز ناحیه حاصل‌خیزی قرار داشت^۲ که به‌وسیله شبکه گسترده‌ای از رودهای منشعب از فرات آبیاری می‌شد؛^۳ وسعت مزارع و باغ‌های آن و زیبایی مناظرش، طوری بود که سیاحان را به وجد می‌آورد.^۴ حله به دلیل نزدیکی به فرات، آب فراوان،^۵ شبکه منظم آبیاری^۶ و هوای معتدل، مرکز تولید محصولات باغی و کشاورزی گردیده بود و غلات، خرما، انار و انگور، از عمده‌ترین محصولات آن بود که حتی به بغداد صادر می‌شد.^۷

در کنار کشاورزی، صنعت نیز در حله رونق داشت. بیشترین سهم صنایع، مربوط به بافندگی و تربیت اسب اصیل عربی بود.^۸ با رفت‌وآمد بازرگانان به حله، صنایع مستظرفه^۹ هم به سرعت رونق گرفت و شهرت یافت.^{۱۰} به گزارش ابن جبیر: «حله را بازارهایی است جامع تمام صنایع و حرفه‌های ضروری و مؤسسات رفاهی که رونقی دائم دارند»^{۱۱}، این امر سبب گردیده بود تجار بسیاری در شهر مستقر شوند.

بنابراین، گزارشات تاریخی از صنعت، کشاورزی و دامداری شهر حله، ما را به این رهنمون خواهد

۱. برای مثال از نیمه قرن هفتم، مواد غذایی بغداد از حله تأمین می‌شد. (ابن فوطی، *الحوادث الجامعة فی المائه السابعة*، ص ۳۶۱ و ۳۸۱)

۲. الخطیب، *مدینه الحلة الكبرى*، ص ۱۳.

۳. سهراب، *عجایب الاقالیم السبعة الی النهایة العماره*، ص ۲۰۱.

۴. ابن جبیر، *سفرنامه*، ص ۱۹۱.

۵. همان، ص ۱۹۰.

۶. الخطیب، *مدینه الحلة الكبرى*، ص ۳۴.

۷. مستوفی، *نزهة القلوب*، ص ۵۳.

۸. ابن جوزی، *مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان*، ج ۹، ص ۲۱۸.

۹. ناجی، *الامارة المزیدیة*، ص ۲۶۷.

۱۰. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۵۷.

۱۱. ابن جبیر، *سفرنامه*، ص ۱۸۹.

ساخت که حله اقتصادی قوی، روبه جلو و مورد رضایت داشته و شرایطی پایدار را در این زمینه رقم زده است. در مقابل، مواردی که سبب اقتصاد ناپایدار می‌شود - که به شهر ناپایدار منجر خواهد شد - چون خشکسالی، افت جمعیت، کاهش فرصت‌های اشتغال و ... در مورد آن منعکس نشده است.

۴. مؤلفه‌های اجتماعی - سیاسی

شهرها بستر تأثیر متقابل انسان، فرهنگ، اخلاق و سیاست در قالب اجتماعات بزرگ بشری‌اند و در رسیدن به اهداف جامعه برای هویت‌مندی و اعتلای سطح زندگی مردم آن، نقش مهمی برعهده دارند. از این رو اهمیت و تأثیرگذاری بُعد اجتماعی شهرها، به اندازه ابعاد دیگر باید مورد توجه قرار گیرد. یکپارچگی اجتماعی و وحدت قومی - و یا تنوع قومی کمتر - لازمه جامعه‌ای متعادل است و افزایش کیفیت زندگی - در سایه تعاملات اجتماعی، مشارکت اهالی، عدالت اجتماعی و شکوفایی اقتصادی - از نتایج مطلوب آن است. بنابراین رابطه مستقیمی بین مؤلفه‌های اجتماعی به‌عنوان یک ویژگی درونی و پایداری شهر برقرار است، چراکه هرچه اجتماعی یکپارچه‌تر باشد، اثبات‌تر خواهد بود.

یک. یکدستی نژادی و قومیتی

یکی از اهداف زندگی جمعی، تقویت روحیه اجتماعی و همبستگی میان افراد است. شهرپایدار برای ایجاد همبستگی، باید تنوع قومیتی کمی داشته باشد و یا گسست‌ها و ناهمگونی‌های اقشار آن، نباید به تعارض و تنازع بیانجامد. بنابراین شهرهایی که از لحاظ فرهنگی، قومی و نژادی، همگونی ندارند، زمینه مساعدی برای دسته‌بندی و صف‌بندی‌های اجتماعی و بروز ستیز میان ساکنان آن دارد. شهراسلامی هم برای ثبات خویش از این قاعده مستثنی نیست و با وحدت آحاد جامعه، پیوندی ناگسستنی دارد. تفکیک فضای کالبدی برخی شهرها که در گذشته مرسوم بود و سبب ایجاد مشکلاتی در امنیت - و به طریق اولی در ثبات و پایداری شهر - می‌شد، متأثر از ناهمگونی آنها بود. مثلاً در شهرهای علوی‌نشین سوریه، مسیحیان، اهل سنت، علویان و ترک‌ها، شهری از هم گسیخته و تجزیه‌شده به بخش‌های درون‌نگر را تشکیل داده بودند.^۱

در حله، غلبه با عرب‌های بنی‌اسد^۲ بود که تقریباً^۳ ترکیب یکسان قومی و نژادی را تشکیل داده

1. Raymond, "Islamic city, Arab city: Orientalist Myths and Recent Views", *British Journal of Middle Eastern Studies*, 21 (1), P. 38-18.

۲. درباره عرب‌های ساکن در حله (ن ک: یعقوبی، معجم البلدان، ص ۷۰ و ۷۱؛ ابوالفرج الاصفهانی، الاغانی، ج ۱۱، ص ۲۵۲؛ ابن بطوطه، سفرنامه، ج ۲، ص ۹؛ تنوخی، جامع التواریخ المسمی نشوار المحاضره و اخبار المذاکره، ج ۲، ص ۱۲۳.

۳. در ترکیب جمعیتی حله از قبایل کوچک‌گردد نام برده شده است که رفته‌رفته در آن جای گرفتند. (ابن تیر، الکامل فی التاریخ، ج ۹، ص ۹۲).

بودند. در میان آنها نیز قبیله بنی مزید برتری عددی و مذهبی شهر را به نفع خود رقم زده بود و پشتیبانی حاکمان شیعه، حله را به شهری یکدست شیعی تبدیل کرده بود که این وحدت مذهبی، وحدت اجتماعی را نیز به دنبال داشت.

بنابراین یکی از عوامل امنیت و شکوفایی حله در طی چند قرن، غلبه قومیتی و به تبع آن یکپارچگی اجتماعی - سیاسی بود. مثلاً سیاست واحد و وحدت رویه مردم در سایه تدابیر خواجه نصیرالدین طوسی، حله را از حمله مغولان در امان نگاه داشت.^۱

دو. ساختار یکپارچه اجتماعی

مهم‌ترین جلوه زندگی شهری، ساختار اجتماعی و روابط بین شهرنشینان است که می‌تواند قوام و استواری شهر و یا زوال آن را در پی داشته باشد. در واقع وقتی افراد یا گروه‌های اجتماعی که تحت مجموعه مشترکی از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی گردآمده‌اند، مناسبات نسبتاً پایداری را برقرار کرده باشند، ساختار اجتماعی به وجود آمده است.^۲ مهم‌ترین کارکرد ساختار اجتماعی، ایجاد پیوندهای اجتماعی است که از باورها، اعتقادات دینی و تفکرات سیاسی مشترک، نشأت می‌گیرد. در صورتی ساختارهای اجتماعی می‌توانند دوام و قوام اجتماع را تضمین کنند که از کارآمدی و اثربخشی بازمانند، در غیر این صورت، بنیاد هر اجتماعی متزلزل می‌گردد.

اسلام نیز دین جامعه و جماعت است و حضور آن در مسائل اجتماعی و سیاسی، امری انکارناپذیر می‌باشد. اگرچه نفوذ اسلام در سرزمین‌های گوناگون، اثرات مختلفی در آداب و رسوم مذهبی، باورها و ارزش‌ها گذاشت، لکن این تفاوت‌ها تا زمانی که به اقتدار مسلمانان ضربه نزنند، پذیرفتنی است، چراکه اسلام با پراکندگی مخالف است.^۳ بنابراین آموزه‌های اجتماعی مکتب اسلام، فارغ از قومیت و جایگاه افراد، در جهت تقویت ساختار اجتماعی و مناسبات بشری، همواره مورد توصیه بوده است و آن را ضامن تعالی و رشد جامعه قرار داده است.^۴

در مطالعه تطبیقی طبقات و ساختارهای اجتماعی حله باید گفت که در ابتدای شکل‌گیری این شهر، گوناگونی ساختار و طبقات اجتماعی زیادی مشاهده نمی‌کنیم، چراکه اسکان عشایر بنی مزید کنار فرات^۵

۱. ن ک: کلبرگ، کتابخانه ابن طاووس، ص ۳۷.

۲. رک: لویز و اسکات، ساختار اجتماعی، ص ۸.

۳. غنی‌زاده، «نگاهی به شهر در تمدن اسلامی»، مجله راهبردیاس، ش ۷، ص ۲۰۱.

۴. نقی‌زاده، «صفات شهراسلامی در متون اسلامی»، مجله شهرایرانی - اسلامی، ش ۴ و ۵، ص ۵۰ و ۵۱.

۵. البغدادی، مراصد الاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع، ج ۱، ص ۴۱۹.

و حرکت اعراب بدوی بسوی این شهر، اجازه تغییرات زیادی در بافت اجتماعی آن را نمی‌داد و در یک کلام، ساختاری جز قبیله مطرح نبود. در واقع سازمان عشیره‌ای نه در تقابل با شهر و روستا، بلکه در هماهنگی با آنها عمل می‌کرد و همبستگی اجتماعی را سبب می‌شد.^۱

همان‌طور که گفته شد، عرب‌های بنی‌مزید با برخورداری از ویژگی‌های بدوی خود، از جمله: شجاعت، جنگ‌آوری، مهمان‌نوازی و بخشندگی،^۲ ساختاری یکپارچه بر مبنای عصبیت عربی را ایجاد کرده بودند. البته گروه‌های دیگر از اکراد جاوانی و شاهجانی ایرانی تبار،^۳ رفته‌رفته در این شهر ساکن شدند که در تحولات سیاسی نقش داشتند.^۴ قبایل عرب بنی‌خفاجه، بنی‌عباده و بنوعقیل نیز از ساکنان این ناحیه بودند که پیوسته با بنی‌مزید در رقابت به سر می‌بردند.^۵ بزرگترین اقلیت بومی در حله یهودیان بودند.^۶ کنیسه‌های حله، بابل و برملاحه^۷ و اجتماع یهودیان بر قبور انبیاء و قدیسان یهود در قرن ششم هجری گزارش شده است.^۸ مسیحیان حله نیز در نواحی نیل، فرات و سورا به سر می‌بردند.^۹

اگرچه این قومیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی هر کدام مستعد ایجاد شکاف و برهم خوردن ساختار اجتماعی حله بودند، لکن باتوجه به اهداف مشترک سیاسی و اقتصادی، همواره پیوندهای اجتماعی خود را حفظ نمودند و کمتر در مورد اختلافات طبقاتی منجر به گسست اجتماعی در حله، سخنی به میان آمده است. بنابراین باتوجه به غلبه مزیدیان، وجود علمای شیعی و در سایه مدیریت حاکمان فرهیخته، هرگز یکپارچگی بافت اجتماعی در این شهر، آن‌طور که در بغداد و ری اتفاق افتاد، رقم نخورد.^{۱۰}

۱. خدایی و تقوایی، «شخصیت‌شناسی شهراسلامی با تأکید بر ابعاد کالبدی شهراسلامی»، *مجله شهرایرانی - اسلامی*، ش ۴، ص ۱۱۱.

۲. جواد، *فی التراث العربی*، ج ۲، ص ۱۵.

۳. به نظرمی‌رسد کردهای شاهجانی با اصالت ایرانی در مسیر خراسان به بغداد پراکنده بودند. (ن. ک: تنوخی، *الفرج بعدالشدیه*، ص ۹۲۳؛ ابن‌خلدون، *العبر*، ج ۴، ص ۱۹۵؛ ابن‌اثیر، *الکامل*، ج ۹، ص ۲۹).

۴. برای آشنایی با نقش قبایل کرد در حله ن. ک: ناجی، *الأماره المزیدییه*، ص ۱۰۳ - ۹۵.

۵. ابن‌جوی، *مرآةالزمان فی تاریخ الاعیان*، ج ۱۸، ص ۱۵۶؛ کرکوش، *تاریخ الحله*، ج ۱، ص ۴۸.

6. Baron, A *Social and Religious History of the Jews*, VII", P. 99.

سورا، نهر ملک، بابل و برملاحه از مراکز یهودیان در اطراف حله بود. (ر. ک: ابن‌ابی‌اصیبه، *عیون الابداء فی طبقات الأطبباء*، ج ۲، ص ۶۵)

۷. مکانی در سرزمین بابل (حموی، *معجم البلدان*، ج ۲، ص ۴۰۳).

۸. تودولایی، *سفرنامه*، ص ۱۱۲ - ۱۰۸؛ برای آگاهی بیشتر ن. ک: قزوینی، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ص ۳۰۵ - ۳۰۴.

۹. اصفهانی، *خریده القصر*، ج ۴، ص ۴۹۸.

۱۰. یوسفی‌فر و محمدی، «تأثیر مناسبات اجتماعی در شکل‌بندی کالبدی شهرایرانی - اسلامی براساس رویکرد نمونه‌وار به شهرری در عصر سلجوقی»، *مجله مطالعات تاریخ فرهنگی*، ش ۱، ص ۱۸۴.

نتیجه

شهرها، بستر ایجاد و بقای تمدن‌های بزرگ بوده‌اند و هرچه شرایط پایداری خویش را بیشتر حفظ می‌کردند، نقش مؤثرتری در تمدن مربوط به خود داشتند. از این رو در بررسی مؤلفه‌های پایداری شهر و تطبیق آن با شهرهای تمدن اسلامی، به این نتیجه می‌رسیم که شهرهای پایدار، زمینه‌ای برای آغاز یک تمدن و یا استمراری برای آنها خواهند بود و اساساً در تمدن اسلامی، شهرها مؤلفه‌های پایداری را دارا هستند. در پژوهشی که گذشت سعی بر آن بود که مؤلفه‌های شهر در تمدن اسلامی برای حله که به دست مسلمانان شیعی بنا شده بود، بازبینی و بررسی شود.

در حله - با درایت حاکمان بنی‌مزید و علما - همه عوامل دست‌به‌دست هم داده بودند که شهری پایدار را ایجاد کنند. وجود بافت یکسان اجتماعی از شیعیان عرب بنی‌مزید و غلبه آنها بر دیگر اقلیت‌ها، سبب شده بود که تا چند قرن امنیت درونی شهر تضمین شود. موقعیت مناسب بنای حله در نزدیکی فرات و نيزارهای اطراف، این شهر را از تهدیدات خارجی مصون می‌داشت. گذشته از آن، اقلیم خوب و آب‌وهوای مطبوع آن را نباید فراموش کرد که اقبال مردم برای سکنی گزیدن در حله را به دنبال داشت.

با وجود آب فراوان و مراتع مناسب، شغل بیشتر مردم حله، باغداری، کشاورزی و دامداری بود. لکن قراردادن در چهارراه تجارتي و کاروان‌های زیارتي، بر رونق آن افزوده بود، به گونه‌ای که تجارت و صنعت در آنجا شکوفاگرديد.

سیاست خاندان بنی‌مزید در اداره حله، حمایت همه‌جانبه از دانشمندان و رفتار مناسب با اقلیت‌های مذهبی و قومی و اقشار فرودست، ساختار یکپارچه‌ای را در این شهر رقم زد که کمتر شاهد رقابت‌ها و درگیری‌های خشونت‌بار و خانمان‌برانداز در این شهر هستیم.

در انتها باید گفت که حله، مصداق کاملی از یک شهر متمدن و پایدار اسلامی بود، چراکه مجموعه مؤلفه‌های مؤثر در ساختن یک شهر پایدار از قبیل: اوضاع مطلوب اقتصادی، امنیت، یکپارچگی اقشار جامعه، برخورداری از جغرافیا و آب‌وهوای مناسب و در یک کلام، رضایت ساکنان را دربرداشت.

منابع و مأخذ

۱. ابن‌ابی‌اصیبیه، احمد بن قاسم، *عیون الابداء فی طبقات الأطباء*، بیروت، دار الفکر، ۱۳۷۶ ق.
۲. ابن‌اثیر، علی بن ابی‌الکرام شیبانی، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق مکتب التراث، بیروت، نشر موسسه التاریخ العربی، ۱۴۱۴ ق، ۱۹۹۴ م.

٣. ابن العمراني، محمد بن علي، *الانبياء في تاريخ الخلفاء*، تحقيق قاسم السامرائي، قاهره، دارالآفاق العربيه، ١٤٢١ ق.
٤. ابن المطهر، علي بن يوسف، *العدد القوية لدفع المخاوف اليومية*، تحقيق السيد محمد الرجائي، قم، انتشارات سيد الشهداء، ١٤٠٨ ق.
٥. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، *سفرنامه*، ترجمه محمد علي موحد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، بي تا.
٦. ابن جبير، محمد بن احمد، *سفرنامه ابن جبير*، ترجمه پرويز اتابكي، مشهد، آستان قدس رضوي، ١٣٧٠.
٧. ابن جوزي، شمس الدين، *مرآة الزمان في تاريخ الاعيان*، آنكارا، مطبعة الجمعية التاريخية التركيّه، بي تا.
٨. ابن حوقل، محمد بن حوقل نصيب، *صورة الأرض*، بيروت، چاپ دوم، ١٩٣٨ م.
٩. ابن خردادبه، عبدالله، *المسالك و الممالك*، بيروت، مطبعة دارالاحياء للتراث العربي، ١٩٨٨ م.
١٠. ابن خلدون، عبدالرحمن، *العبر و ديوان المبتدا و الخبر*، بيروت، بي تا.
١١. ابن سرايون، سهراب، *عجايب الاقاليم السبعة الي النهاية العمارة*، تحقيق و تصحيح هانس فون مزيك، وين، نشر مطبعة آدولف هولزهوزن، ١٣٤٧ ق.
١٢. ابن شعبه حرّاني، حسن بن علي، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٣٦٣.
١٣. ابن عديم، عمر بن احمد، *بغية الطلب*، تحقيق سهيل زكار، دمشق، بي تا.
١٤. ابن عنبه، احمد بن علي، *عمدة الطالب في انساب آل ابيطالب*، تحقيق السيد مهدي الرجائي، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، ١٤٢٧ ق.
١٥. ابن فوطي، كمال الدين ابوالفضائل عبدالرزاق بن احمد، *الحوادث الجامعه في المائة السابعة*، تحقيق بشار عواد معروف، بيروت، دارالغرب اسلامي، ١٩٩٧ م.
١٦. ابن قولويه، جعفر بن محمد، *كامل الزيارات*، تصحيح عبدالحسين اميني، نجف اشرف، دارالمرتضوية، ١٣٥٦.
١٧. ابن منظور، محمد بن مكرم، *لسان العرب*، تصحيح و تحقيق جمال الدين ميردامادي، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، ١٤١٤ ق.
١٨. ابوالفداء، اسماعيل بن علي، *تقويم البلدان*، قاهره، مكتبة الثقافة الدينية، بي تا.
١٩. ابوالفرج الاصفهاني، علي بن حسين، *الاعاني*، قاهره، دارالكتب، ١٩٢٧ م.

۲۰. ادموند باسورث، کلیفورد، *سلسله‌های اسلامی جدید*، ترجمه بدره‌ای، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱.
۲۱. اشرف، احمد، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران»، *مجله نامه علوم اجتماعی*، ش ۴، ۱۳۵۳.
۲۲. إصطخری، ابراهیم بن محمد، *المسالك والممالك*، لیدن، نشر بریل، ۱۹۳۷ م.
۲۳. اصفهانی، عمادالدین کاتب، *خریده القصر و جریده العصر*، ج ۴، تحقیق محمد بهجة الأثری، عراق، مطبعة المجمع للعلمی، ۱۹۶۴ م.
۲۴. اهری، زهرا، *مکتب اصفهان در شهرسازی*، اصفهان، دانشگاه هنر، ۱۳۸۰.
۲۵. بستانی، فواد افرام، *فرهنگ ابجدی البنایی عربی - فارسی (ترجمه المنجد)*، ترجمه رضا مهبیار، تهران نشر اسلامی، ۱۳۷۶.
۲۶. البغدادی، عبدالمؤمن بن عبدالحق، *مراصد الاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع*، ج ۱، تحقیق علی محمد البجاوی، القاهرة، منشورات داراحیاء الکتب العربیه، ۱۹۵۴ م.
۲۷. تطیلی، بنیامین بن یونه، *سفرنامه رابی بنیامین تودولایی*، ترجمه مهوش ناطق، تهران، نشر کارنگ، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۲۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غررالحکم و دررالکلم*، تحقیق سید مهدی رجائی، دارالکتاب الإسلامی، قم، چ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۲۹. تنوخی، محسن بن ابی‌الفهم، *جامع التوایخ المسمی نشوارالمحاضره و اخبارالمذاکره*، تحقیق عیود الشاجی، بی‌جا، بی‌نا، ۱۹۷۱ م.
۳۰. تنوخی، محسن بن ابن الفهم، *الفرج بعد الشده*، القاهرة، مکتبه الخانجی، دارالطباعه المحمديه، ۱۹۵۵ م.
۳۱. تودولایی، رابی بنیامین، *سفرنامه*، ترجمه مهوش ناطق، تهران، نشر کارنگ، ۱۳۸۰.
۳۲. جواد، مصطفی، *فی التراث العربی*، تحقیق محمدجلیل شلمش و عبدالحمید العلوجی، عراق، دارالرشید للنشر، بی‌تا.
۳۳. جواد آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء، ۱۳۸۹.
۳۴. حاجی تقی، محمد، «جغرافیای تاریخی حله، بسترشکوفایی مدرسه حله در دوره ایلخانی» *مجله تاریخ ایران*، ش ۶۰، ۱۳۸۸.
۳۵. حبیبی، محسن، *از شار تا شهر*، تهران، دانشگاه تهران، چ هفتم، ۱۳۸۶.

۳۶. حکیم، بسیم سلیم، شهرهای عربی - اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی، ترجمه محمدحسین ملک احمدی و عارف اقوامی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۱.
۳۷. حلی، صفی‌الدین، دیوان صفی‌الدین حلی، بیروت، دارالصادر، بی تا.
۳۸. حموی، یاقوت، المشترك وضعاً والمفترق صقماً، گوتینگن، نشر وستلفد، ۱۸۴۶ م.
۳۹. حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، دارالصادر، ۱۹۹۵ م.
۴۰. خدایی، زهرا و علی اکبر تقوایی، «شخصیت‌شناسی شهراسلامی با تأکید بر ابعاد کالبدی شهراسلامی»، مجله شهرایرانی - اسلامی، ش ۴، ۱۳۹۰.
۴۱. الخطیب، صباح محمود محمد نزیه، مدینة الحلة الكبرى، بغداد، مکتبه المنار، ۱۹۷۴ م.
۴۲. دزمووند برنال، جان، علم در تاریخ، ترجمه حسین اسدپور، تهران، امیرکبیر، چ اول، ۱۳۵۴.
۴۳. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه تهران، چ دوم، بی تا.
۴۴. رزوقی کربل، عبدالله، التباين المكاني لكفائه أنظمه الصرف في محافظة بابل، بغداد، کلیه الآداب جامعه، ۲۰۰۱ م.
۴۵. سجادزاده، حسن و سیده الهام موسوی، «ابعاد چستی‌شناسی و هستی‌شناسی شهراسلامی از منظر متون اسلامی»، مجله شهرایرانی - اسلامی، پژوهشکده فرهنگ و هنر، تهران، ش ۱۶، ۱۳۹۳.
۴۶. شکرانی، رضا، «مهندسی فرهنگ اسلامی در مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شهرسازی»، نخستین همایش آرمان شهراسلامی، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۷.
۴۷. صارمی، مسعود و حمیدرضا صارمی، «عوامل پیدایش نامنی در شهرها از منظر اسلامی»، مجله شهرایرانی - اسلامی، ش ۱، پژوهشکده فرهنگ و هنر، تهران، ۱۳۸۹.
۴۸. ضرابی، اصغر و غلامی بيمرغ، یونس و مسعود حاج بنده افوسی، مسعود، «بستر تاریخی از ساختار کالبدی شهرهای اسلامی با تأکید بر ایران»؛ نخستین همایش آرمان شهراسلامی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۷.
۴۹. عبدالستار، عثمان محمد، مدینة اسلامی، ترجمه چراغی، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۶.
۵۰. عظیمی کاشی، مژگان و اعظم کاری، فائزه و جعفر خیرخواهان، مژگان ثابت تیموری و سعید شریعتی، «واکاوی مؤلفه‌های شهرزیارتی مطلوب»، مجله شهرایرانی - اسلامی، ش ۱۲، پژوهشکده فرهنگ و هنر، تهران، ۱۳۹۲.
۵۱. غنی‌زاده، مسعود، «نگاهی به شهر در تمدن اسلامی»، مجله راهبرد یاس، ش ۷، ۱۳۸۵.

۵۲. الفراهیدی، خلیل بن احمد، العین، تحقیق مهدی المخزومی، قم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ ق.
۵۳. قزوینی، زکریا بن محمد، آثار البلاد و اخبار العباد، قزوینی، بیروت، دار صادر، چاپ اول، ۱۹۹۸ م.
۵۴. کلبرگ، اتان، کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، ترجمه سید علی قرائی، قم، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۱.
۵۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۵۶. کحاله، عمررضا، معجم قبائل العرب، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۱۴ ق.
۵۷. کرکوش، یوسف، تاریخ الحله، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۹۶۵ م.
۵۸. لسترنج، گئی، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷.
۵۹. لویز، خوزه و اسکات، جان، ساختار اجتماعی، ترجمه یوسف صفاری، تهران، نشر آشیان، ۱۳۹۱.
۶۰. لینچ، کوین، تئوری شکل شهر، ترجمه بحرینی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۶۱. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق محی الدین و محمدرضا مامقانی، قم، نشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، بی تا.
۶۲. مجلسی، محمداقربن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۶۳. محمدنزیه صباح الخطیب، محمود، مدينة الحلة الكبرى، بغداد، مكتبة المنار، ۱۹۷۴ م.
۶۴. مدرس، میرزا محمد علی، ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة واللقب، تهران، انتشارات خیام، چ سوم، ۱۳۶۹.
۶۵. مستوفی، حمدالله، نزهة القلوب، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، نشر طهوری، ۱۳۳۶.
۶۶. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، تصحیح شارل پلا، بیروت، منشورات الجامعة اللبنانية، ۱۹۷۰ م.
۶۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۶۸. منان رئیس، محمد، «واکاوی تمایز ماهوی مدینه و قریه در ادبیات قرآنی»، باغ نظر، سال سیزدهم، ش ۴۰، مرداد و شهریور، ۱۳۹۵.

۶۹. ناجی، عبدالجبار، الامارة المزیدیه، بصره، دارالطباعة الحديث، ۱۹۷۰ م.
۷۰. نقی زاده، محمد، «تأملی در چیستی شهر اسلامی»، مجله شمهرایرانی - اسلامی، ش ۱، پژوهشکده فرهنگ و هنر، تهران، ۱۳۹۰.
۷۱. نقی زاده، محمد، «صفات شهر اسلامی در متون اسلامی»، مجله هنرهای زیبا، ش ۴ و ۵، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۴.
۷۲. الیعقوبی، احمد بن واضح، معجم البلدان، نجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۷۷ ق.
۷۳. یوسفی فر، شهرام و سیدمحمدحسین محمدی، «تأثیر مناسبات اجتماعی در شکل بندی کالبدی شهر ایرانی - اسلامی براساس رویکرد نمونه وار به شهری در عصر سلجوقی»، مجله مطالعات تاریخ فرهنگی، ش ۱، ۱۳۸۸.
74. Antrop, Marc, "Changing patterns in the urbanized countryside of Western Europe", Landsc, Ecol, 2002.
75. Bianca, S. "Urban form in the Arab World: past And present". Zurich, 2000.
76. Haughton, G, "Developing Sustainable Urban Development Models", *Journal of Cities*, Vol. 14, No 4 ,1997.
77. Khalaf, R. W. "Traditinoal vs modern Arabian morphologies", *Journal of Cultural Heritage Management And Sustainable Development*, 2012.
78. Morris, A.E.J, "History of urban form: before the industrial revolutions", *Longman & Technical: Wiley*, New York, 1994.
79. Munasinghe, Mohan, "*Environmental Economics and Sustainable Development*", The World Bank, Washington D.C, 1993.
80. Petruccioli, Attilio, "*New Methods of Urban Fabric of the Islamicized Mediterranean*", Built Environmen, 2002.
81. Raymond, A, "Islamic city, Arab city: Orientalist Myths and Recent Views", *British Journal of midle Eastern Studies*, 1994.
82. Wittmayer Baron, Salo, "*A Social and Religious History of the Jews*", New York: Columbia University press, 1952.